



درگذشت بازیگر افسانه‌ای فیلم‌های کوروساوا

تاتسویا ناکادای، بازیگر برجسته سینمای ژاپن، در سن ۹۲ سالگی درگذشت. ناکادای به‌دلیل نقش آفرینی اش در فیلم‌هایی مانند «آشوب» به کارگردانی آکی‌را کوروساوا در سال ۱۹۸۵ و سه‌گانه تاریخی «وضع بشر» ساخته ماساکی کوبایاشی در نقش شخصیت کاجی، شهرتی جهانی دارد. نام اصلی او موتوهیسا ناکادای و متولد ۱۳ دسامبر ۱۹۳۲ در توکیو بود. ناکادای فعالیت هنری اش را از نمایش شروع کرد. اودر طول دوران حرفه‌ای بیش از ۱۰۰ نقش سینمایی ایفا کرد ووبازی در فیلم‌های سامورایی و درام‌های تاریخی، جایگاهی ویژه در سینمای ژاپن یافت. ناکادای همچنین در آثار مهمی مانند «هاراکیری» (۱۹۶۲) ساخته ماساکی کوبایاشی و چندین فیلم از کوروساوا مانند «کاگموشا»، «یوجیمبو» و «سانجورو» نقش آفرینی کرد. ناکادای یکی از نمادهای بزرگ تاریخ سینمای ژاپن است و در سال ۲۰۱۵، دولت ژاپن نشان فرهنگ، بالاترین افتخار فرهنگی کشور را به او اهدا کرد.



اکران نسخه کامل «بیل رابکش»

نسخه کامل و نهایی فیلم‌های «بیل رابکش» نسخه یک و دو، برای نخستین‌بار به‌صورت یک اثر سینمایی واحد با نام «Kill Bill: The Whole Bloody Affair» اکران می‌شود. این نسخه که نسخه‌ای تقریباً چهارساعته است، دو قسمت گذشته را به‌شکل یکپارچه ترکیب می‌کند و شامل یک سکانس انیمیشنی ۷/۵ دقیقه‌ای است که تاکنون منتشر نشده بود. کوئنتین تارانتینو، کارگردان فیلم بارها تأکید کرده که فیلمنامه فیلم اش را برای نسخه بلندنوشته و کارگردانی کرده، اما سال‌ها این نسخه اصلی به تماشاگران عرضه نشده بود یا فقط در نمایش‌های محدود دیده شده بود. نسخه بلندویژه «بیل رابکش» را شرکت «لایزنگیت» اکران می‌کند و زمان نمایش سراسری آن در آمریکا ۵ دسامبر ۲۰۲۵ اعلام شده و وقفه‌ای ۱۵ دقیقه‌ای نیز در مدت‌زمان نمایش خواهد داشت. گفته می‌شود، نسخه‌های ویژه‌ای نیز در فرمت‌های ۳۵ و ۷۰ میلی‌متری به‌نمایش درمی‌آید.



سریال «وی مثل وندتا» ساخته می‌شود

شبکه اچ‌بی‌او در همکاری با جیمز گان، پتر سافران و چد کینگ، در حال ساخت نسخه سریالی V for Vendetta است. این سریال پس از حدود ۲۰ سال بعد از اکران فیلم سینمایی ساخته می‌شود. فیلمنامه سریال را پیت جکسون، برنده جایزه بفتا، می‌نویسد، اما هنوز کارگردان و بازیگران معرفی نشده‌اند. داستان، همانند نسخه اصلی، درباره مردی نقاب‌دار است که در بریتانیای استبدادزده، علیه نظام حاکم شورش می‌کند و نقاب معروف گای فاکس خود را به نماد جهانی اعتراض بدل می‌کند. فیلم ۲۰۰۵ با بازی هیوگو ویوینگ و ناتالی پورتمن و فیلمنامه خواهران واچوفسکی ساخته شد و به‌سرعت تبدیل به یکی از محبوب‌ترین آثار فرهنگی و سینمایی شد. اچ‌بی‌او هنوز جزئیات بیشتری درباره تعداد قسمت‌ها یا وفاداری به داستان اصلی اعلام نکرده است، اما گفته می‌شود، سریال همچنان مرتبط با مسائل سیاسی و اجتماعی معاصر خواهد بود.

فرهنگ

CULTURE

۱۴

زادروز نیما

گفت‌وگو با محمد کمالی‌زاده درباره دلالت‌های سیاسی در شعر نیما یوشیج و نگاه نقادانه‌اش به مردم و روشنفکران

برای خودش شأن راهبری و هدایت قائل بود



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

نیما یوشیج زاده ۲۱ آبان‌ماه ۱۲۷۶ بود و در ۱۶ دی‌ماه ۱۳۳۸ درگذشت. او را امروز بیش از هرچیز با عنوان «پدر شعر نو» می‌شناسند اما مگر می‌توان در برهه‌ای که نیما زیست، نفس کشید و نگاهی به سیاست نداشت. در دوره او انقلاب مشروطه رخ داد، کودتای سوم اسفندماه شکل گرفت، تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی به وقوع پیوست، ایران در شهریورماه ۱۳۲۰ اشغال شد، حزب توده و جبهه ملی به بسیج

❖وقتی صحبت از نیما می‌شود نگاه‌ها چندان به سیاست جلب نمی‌شود. شما اما در کتاب خود به‌همین مسئله مغفول پرداخته‌اید. آیا نیما کنشگر سیاسی بود یا روشنفکری سیاسی؟ یا نه، شعرهایی دارد که در آنها به سیاست پرداخته است؟ به‌طورکلی زندگی نیما با سیاست، چه پیوندهایی داشته است؟

نیما رانمی‌توان مانند یک چهره سیاسی یا مبارز سیاسی یا فردی حتی علاقه‌مند به سیاست که در این زمینه شعری بسراید یا بیانیه‌ای امضاء کند یا موضع‌گیری واضح و رسمی کرده باشد، به‌حساب آورد. هر چند نظیر بسیاری از شخصیت‌های ادبی و هنری آن‌زمان، در معرض موقعیت‌های سیاسی نیز بوده است. البته در این‌زمینه چهره‌های ادبی‌ای بودند که افرادی سیاسی نیز به‌حساب می‌آیند، اما درباره نسبت نیما و سیاست، باید از وجه سمبولیستی به ماجرا نگرست و در این صورت بعضی شعرهای او از نظرگاه سمبولیسم، می‌توانند شعر سیاسی قلمداد شوند. در تعریفی که ما از اندیشه سیاسی داریم، گفته می‌شود اندیشه سیاسی حداقل سه دلالت دارد: دلالت تبیینی، دلالت معرفتی و دلالت هنجاری. در این بُعد سوم یعنی در دلالت هنجاری، اندیشه سیاسی ناظر بر ترسیم یک وضع آرمانی؛ وضعیتی که در حال حاضر وجود ندارد، تأکید می‌کند. بنابراین در این وجه، نقد وضع موجود و ارائه یک آرمان‌شهر اهمیت پیدا می‌کند. بنابراین تعریف بر خی اشعار نیما، مخصوصاً آن اشعاری که به‌عنوان اشعار سمبولیستی می‌شناسیم و از اشعار معروف نیما نیز هستند، می‌توان در قالب اندیشه سیاسی تفسیر کرد.

❖منظور تان کدام اشعار نیماست؟ کدام شعرهای او را می‌توان به‌طرزی سمبولیستی تفسیر کرد؟

برای نمونه شعر «ققنوس». خود مفهوم ققنوس در این شعر نمادشاعر است؛ شاعری که در مقام پیامبر، راهبر قوم و کسی که از رموزازها باخبر است و می‌تواند بهتر از مردم زمانه، حتی بهتر از روشنفکران دوران و درواقع والاتر از همگان شرایط موجود را ببیند، همینطور افق آینده را درک کند و درنهایت ملت را به‌سمت مطلوب هدایت کند. یا شعر «مرغ آمین». در این شعر هم باز خود مرغ آمین دقیقاً نماد شاعر است؛ شاعری که قرار است خلق را از این شب، به صبح هدایت کند. در شعر «مهتاب» هم چنین مباحثی دیده می‌شود. در این شعر هم با کلماتی همچون «قوم» و «صبح» مواجه می‌شویم و ایده «خبرآوردن» دیده می‌شود. خبر را چه کسی می‌آورد؟ آن شاعر پیامبری که از صبح آگاه است و می‌خواهد مردم را از شب، به صبح راهنمایی کند. در دیگر شعرهای او هم می‌شود نمونه‌هایی پیدا کرد اما در شعرهای ققنوس و مرغ آمین، نیما روایت نمادینی از جایگاه خودش و مردم ارائه می‌دهد. در این روایت، شاعر کاملاً نقشی هدایتگر و رهایی‌بخش دارد و حتی در شعر مرغ آمین، این روایت به‌نحوی عرضه می‌شود که نه‌فقط شاعر برای خود چنین نقشی را قائل است بلکه از زبان مردم هم به‌گونه‌ای سخن به‌میان می‌آید که گویی مردم نیز انتظار دارندشاعر چنین نقشی را داشته باشد، چنین مسئولیتی را برعهده بگیرد و خلق را به‌سمت وضع آرمانی راهبری کند. به‌همین دلیل در این شعر می‌خوانیم: «و شب تیره، بدل با صبح روشن گشت خواهد». اینجا شاعر می‌گوید، منتظر باشید من به‌عنوان پیامبری آگاه به آینده، می‌توانم شما را به‌سمت آن صبح هدایت کنم و به شما امیدواری می‌دهم که آن صبح خواهد آمد.

❖آن رویکردی که با آن می‌توان شعر نیما را به‌صورت سیاسی هم تفسیر کرد، همان رویکرد سمبولیستی است که شما در این کتاب بدان اشاره کردید؟

بله. همینطور است. البته من اولین کسی نبودم که چنین کردم و به‌طورکلی توجه به شعر نیما و احمد شاملو از زاویه نگاه سمبولیسم اجتماعی را متقدمین و کسانی که ادوار شعر فارسی را طبقه‌بندی کرده‌اند، انجام داده‌اند. بسیاری از این ویژگی‌های شعر سمبولیستی که در دنیا وجود دارد را در شعر نیما و بعد در شعر شاملو، به‌خوبی شما می‌بینید. این امر البته تضمناتی سیاسی هم دارد، همان‌طور که شعر سمبولیستی اروپایی نیز چنین دلالت‌هایی داشت.

❖بخشی از هر امر سیاسی، نسبتی است که افراد با حکومت و دولت پیدا می‌کنند. بخش دیگرش می‌تواند شامل رویکردی باشد که فرد نسبت به جریان‌های روشنفکری زمانه خودش دارد؟ درباره هر کدام از اینها نیما در چه وضعیتی به‌سر می‌برد؟ نیما متأثر از زمانه پیچیده‌ای که در آن زندگی می‌کند، موضعی پیچیده دارد. نیما و بسیاری از روشنفکران آن‌دوران در زمانه‌ای زندگی می‌کردند که از یک طرف، شاهد شکست آرمان‌های مشروطه بودند. این انقلاب مشروطه با امید و آرزوهای فراوان روشنفکران به‌قمر نشسته بود، اما درنهایت نتایج دلخواه آنها را به‌بار نیاورده بود و به دیکتاتوری ختم شده بود. ازطر فدیگر، این افراد با اشغال ایران و شکست نظامی ایران مواجه شدند. اینها بر ذهن و زبان نویسندگان و روشنفکران آن‌دوران تأثیر گذاشت. نیما هم از این ماجرا جدانیت.

ما در آن دوران حداقل دو سنت روشنفکری قوی داریم. یکی سنت روشنفکری متصل به مشروطه است که از بانیان آن می‌توان به آخوندزاده، طالبوف و ملک‌خان اشاره کرد و نام‌اش را باید گذاشت روشنفکران فرهنگی. این گروه مهمترین مشکل زمانه یا حداقل یکی از مهمترین مشکلات زمانه را جهل و ناآگاهی مردم می‌دانستند، بنابراین راه‌حل را هم در بیداری مردم جست‌وجومی کردند. از نظر آنها، مردم باید خودآگاه بشوند و به آگاهی برسند، بنابراین وظیفه افرادی مثل خود، این می‌دانستند که آگاهی مردم را بالا ببرند و نقش عملی و هدایت فرهنگی مردم را ایفا کنند. نیما با این سنت روشنفکری، نسبتی کاملاً مستقیم برقرار می‌کند. او احساس می‌کند چیزهایی می‌داند و چیزهایی را می‌بیند که نه‌تنها مردم زمان، بلکه حتی روشنفکران معاصر ش هم نمی‌بینند و نمی‌دانند.

برای نمونه می‌دانیم که بعد از اشغال ایران در شهریورماه ۱۳۲۰ و نیز با توجه به ظهور بلشویسم در مرزهای شمالی ایران که در ایران نیز خود را در قالب حزب توده و جریان چپ و مارکسیستی نمودار کرد، جریان روشنفکری در ایران با این جریان‌های دست چپی مترادف می‌شود،